

مقایسه تطبیقی مبانی و اصول توسعه پایدار شهری با اصول شهرسازی اسلامی

مرتضی میرغلامی

دانشیار طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

m.mirgholami@tabriziau.ac.ir

محمد رامین رحیمیان

دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

r_rahimian69@yahoo.com

چکیده

پس از فراگیر شدن دین مبین اسلام و تأثیر آن بر فرهنگ و تمدن ساکنان شهرها، سکونتگاه‌ها و محیط‌های ساخته شده‌ای در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به منصفه ظهور رسید که امروزه از آن‌ها با عنوان «شهر و شهرسازی اسلامی» یاد می‌شود. شهر اسلامی دارای صفات و ویژگی‌های مختلفی در ابعاد کالبدی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و فرهنگی است که در مطالعات و بررسی‌های گوناگون به آن‌ها اشاره شده است. با ظهور مدرنیسم و فراگیر شدن آن در سراسر جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی در حال توسعه، تقلید و توسعه برون‌زا در این شهرها باعث ایجاد ناپایداری در محیط‌های شهری این سرزمین‌ها شده است. با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار در اواخر قرن بیستم و در پی آن شهرهای پایدار، جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و کالبدی منتج از آن‌ها، به‌طور جدی در معماری و شهرسازی معاصر مورد توجه قرار گرفته است. سؤال اصلی تحقیق این است که مبانی توسعه پایدار شهری، به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و کالبدی، از چه پارادایم فکری نشئت می‌گیرد و تا چه حد با اصول شهرسازی اسلامی انطباق دارد؟ و آیا این ادعا که توسعه پایدار شهری همان شهرسازی اسلامی است صحت دارد یا خیر. تحقیق حاضر از نوع تحقیق‌های بنیادین است و با روش

توصیفی تحلیلی و مقایسه تطبیقی صورت گرفته است که در آن ضمن تشریح اصول مطرح در شهر اسلامی و نیز ماهیت توسعه پایدار و بعد اجتماعی و کالبدی آن، به تحلیل و مقایسه آن‌ها پرداخته شده است و با در نظر گرفتن نقاط قوت هر کدام در ساخت شهرها، به تبیین اصول و راهکارهایی جهت تحقق شهرهای اسلامی پایدار مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی در دنیای معاصر می‌پردازد. در نهایت، با توجه به این اصول و معیارهای مطرح شده، راهکارهایی کالبدی و اجتماعی جهت دستیابی به شهر اسلامی پایدار پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، توسعه پایدار، پایداری اجتماعی و کالبدی، شهر اسلامی پایدار.

۱. مقدمه

شهر نه تنها یک موجودیت فیزیکی است، بلکه می‌توان آن را نماد یک امر حادث شده اجتماعی دانست؛ از طرف دیگر، به عقیده برخی دانشمندان شکل بیرونی و نمای شهر را می‌توان بازتابی از هنجارهای همان عصر و مقتضیات عقیدتی آن به‌شمار آورد. دین مبین اسلام نیز، به‌عنوان دینی جهان‌شمول و کامل که پاسخ‌گوی تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان است، از همان ابتدای پیدایش با مقوله شهر و شهرنشینی ارتباطی نزدیک داشته است، تا جایی که جایگاه و اهمیت شهر در قرآن کریم به‌عنوان اصیل‌ترین و جامع‌ترین منبع معارف اسلامی بارها مورد تأکید قرار گرفته است.

رواج تعبیر «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان، به‌ویژه «شهر اسلامی» نامیده‌شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین، با این فرض که این شهرها گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی به‌صورت کالبدی بوده‌اند و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز هستند، از قرن نوزدهم میلادی و به‌وسیله مستشرقان آغاز شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). اما سوای این دیدگاه محدود مستشرقان از تعریف شهر اسلامی، این شهرها را می‌توان عصاره و ماحصل قرن‌ها تعامل ارزش‌ها و باورهای اسلامی، رفتارهای مسلمانان و تطابق محیط ساخته‌شده برای انطباق هرچه بیشتر با این مبانی فکری، ارزشی و رفتاری دانست. تطابقی که پس از معرفی ایده‌های نو و مدرن در اروپا به این کشورها و شروع دوره استعماری از یک‌سو و اشتیاق و عطش نوسازی و تغییر در ساختار شهرها و معرفی الگوهای جدید و مدرنیزاسیون برون‌زا و تحمیلی روز کم‌رنگ‌تر شد. ماحصل این تغییر و تحول فشرده در ساختار شهری شهرهایی بود که از یک‌سو

با فرهنگ و ارزش‌های جامعه انطباق نداشت و ازسوی دیگر، سرچشمه بسیاری از مشکلات و توسعه‌های ناپایدار شهری، به‌ویژه در کلان‌شهرهای این مناطق، شد.

ازطرفی در غرب، پس از تجربیات مختلف نوسازی شهرها و درس گرفتن از تأثیرات مخرب نگاه تک‌بعدی و تکنولوژیک، در دهه ۷۰ قرن بیستم دیدگاه جدیدی با عنوان توسعه پایدار و از آن پس شهر پایدار، با بیان یک‌سری اصول و مفاهیم سعی در گسترش حوزه‌های شهرسازی مبتنی بر شهرهای خوداتکا و معماری انسان‌گرا داشت که ضمن تأمین سلامتی و رضایت ساکنان باعث ارتقای مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیطی شود و برای نسل‌های آتی نیز حفاظت شود. دغدغه ساخت اجتماعات پایدار با روابط انسانی پایدار مختص جوامع غربی نیست و در تاریخ تمدن‌های شرقی از جمله کشورمان، ایران نیز به‌چشم می‌خورد. دین اسلام با نگاهی خاص به مفهوم اجتماع، توجه ویژه‌ای به شهر دارد و با ترسیم شمایل یک شهر مطلوب، خود را آماده پذیرش بهترین‌های تمدن‌های پیش از خود کرده است تا جایی که استفاده از کلیه دستاوردهای فرهنگی-هنری ملل تابعه را، تا جایی که با مبانی اسلام مغایرت نداشته باشد، بلامانع می‌داند.

هدف از این نوشتار کنکاش در تشابهات میان اصول شهر اسلامی و مفاهیم توسعه پایدار و ارزیابی میزان موفقیت هر یک در بستر زمان است؛ همچنین، ارائه اصول و راهکارهایی برای تحقق یک شهر اسلامی پایدار در عصر حاضر نیز مورد توجه این پژوهش است. شناخت دقیق و موشکافانه اجتماعات پایدار در گذشته، چه در کشور ما و چه تجربه‌شده توسط سایر اجتماعات، چراغ راهی برای جلوگیری از اشتباهات جبران‌ناپذیر در تجربیات شهرسازی معاصر و حمایت از آن دسته الگوهایی است که با نیازهای انسان انطباق کامل داشته باشد. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که میان مفاهیم شهر اسلامی و توجه آن به رویکردهای پایداری و مقوله توسعه پایدار نقاط اشتراک و افتراقی وجود دارد و مقاله حاضر در پی بیان آن است.

۲. روش تحقیق

مقاله تحقیقی حاضر پژوهشی بنیادی است که نگاه حاکم بر آن در تمام بخش‌ها تحلیل‌محور است که البته در کنار آن از ابزار توصیف و تطبیق داده‌ها نیز بهره برده شده است. در بیان پیشینه تاریخی شهر اسلامی، رویکرد توصیفی تحلیلی مورد توجه قرار گرفته و در تبیین ساختار آن از رویکرد تطبیقی تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است که ارتباط مفاهیم مطرح در شهرهای اسلامی با مفاهیم اجتماعی و کالبدی مطرح در توسعه پایدار مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است و در پایان، در قالب دو جدول نیز ارائه می‌شود.

۳. مبانی نظری

۳-۱. شهر اسلامی

برای تعریف شهر اسلامی رویکردها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که این شهرها را به لحاظ سیاسی، کالبدی، فرهنگی و غیره تعریف کرده‌اند. در یک تعریف می‌توان گفت که شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشئت گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته‌اند. شهرنشینی و شهرهای اسلامی، دوره‌ای مشخص و محدود (چهارده قرن پیش تاکنون) را دربر می‌گیرد و با کمال شگفتی بر پهنه‌ای بسیار وسیع در سه گوشه جهان کم‌وبیش مهم و باستانی گسترش یافته است. این شهرها در ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی متأثر از حاکمیت فرهنگ اسلامی یا حکومت‌های اسلامی اشتراک زیادی دارند. از نظر محققان، تنها قرارگرفتن شهرهای مورد بررسی در حیطه فرمانروایی مسلمانان، برای اطلاق شهر اسلامی کافی نیست و شناخت وجوه تمایز بین شهر اسلامی و شهرهای قدیمی در سرزمین‌های اسلامی و سایر شهرهای خارج از قلمرو اسلامی نیز مورد توجه است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹). شهر اسلامی شهری است که دارای هویت ویژه فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است. این هویت فرهنگی و تاریخی و تمدنی نه تنها در مذهب، اخلاق، علم و تفکر بلکه در روابط فضایی و هویت شهری نیز ملحوظ است و از تجسمی عینی و خارجی و تعریف شده برخوردار است، تجلیگاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان‌بینی سازنده خویش را معرفی می‌کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند گواهی می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۵۸).

۳-۱-۱. ویژگی‌های شهر اسلامی و ابعاد اجتماعی و کالبدی آن

شهرهای اسلامی در کشورهای متعدد تحت تأثیر عوامل محیطی، اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از تنوع برخوردارند ولی عوامل وحدت‌بخش آن‌ها شامل مسجد، مدرسه، دارالعماره، بازار و غیره، به‌عنوان وجه مشترک همه آن‌ها، در این شهرها خودنمایی می‌کنند.

اگر شهرسازی را علم و هنر به نظم درآوردن و شکل دادن به محیط زندگی انسان بدانیم، ویژگی‌های چنین نظامی در تفکر اسلامی عبارت‌اند از: وحدت در کثرت، تعادل، زیبایی، هماهنگی، توازن، اندازه، حد و حریم، نوگرایی و نوجویی، هویت و سلسله‌مراتب (نقی‌زاده، ۱۳۸۵).

به‌طور کلی، شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی (توپوگرافی) محلی و ویژگی‌های کالبدی، بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی عام جامعه نیز بسیار مؤثرند که در ادامه (در

راستای اهداف مقاله) به بیان این عوامل و شاخص‌ها در دو بخش کلی اجتماعی و کالبدی پرداخته می‌شود.

۳-۱-۲. ابعاد اجتماعی شهر اسلامی

۱. هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جداست و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز است.
۲. تأمین نیازهای مشترک انسانی و فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی پایه و اساس شهر اسلامی است.
۳. سازمان اجتماعی جامعه شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خواستگاه‌های قومی و هم‌خونی مشترک استوار است.
۴. منازل درون‌گرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است.
۵. شهر به واحدهای خودفرمان (و گاه‌ا در تضاد با هم) به نام محلات تقسیم شده است که این محلات شامل زیرمحلات، برزن، کوی و کوچه است.
۶. مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام‌المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند.
۷. طبقات اجتماعی به‌صورت مجزا در شهر دیده نمی‌شود و فقیر و غنی در خانه‌های با اندازه‌های متفاوت در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی بر مساوات و برابری و نیز محکم‌بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می‌کنند.
۸. میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعه اسلامی زیاد است.
۹. وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی (امت واحده) را شکل داده است.
۱۰. بنابر رعایت عدالت اجتماعی و برابری و برادری در جامعه، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی می‌شود و به طبقات محروم اجتماع توجه می‌شود.
۱۱. اساس تفکر اسلام بر اصل توحید است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان شهر اسلامی را شهر تجلی توحید نامید. بر این اساس، شهر اسلامی تجلیگاه وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت است.
۱۲. عدالت از دیگر اصول مطرح در جامعه اسلامی و از صفات اصلی شهر اسلامی

به‌شمار می‌رود. هدف پیامبران الهی نیز برپایی عدل و قسط در جامعه است (فرجام و دیگران، ۱۳۹۰؛ پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹؛ نقی‌زاده، ۱۳۷۷؛ همو، ۱۳۸۹؛ سلخی خسرقی، ۱۳۸۹).

۳-۱-۳. ابعاد کالبدی شهر اسلامی

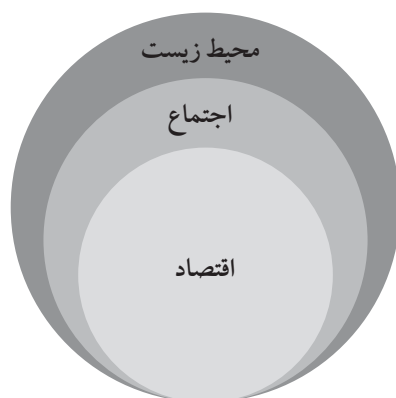
۱. محلات متجانس، بهره‌مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب‌بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته‌اند.
۲. در ساخت فضاها و ابنیه بر رعایت مقیاس انسانی تأکید شده است.
۳. سلسله‌مراتب و نظم در ساختار شهری رعایت می‌شود. به طوری که دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه است و در محل تلاقی آن‌ها میدان تشکیل می‌شود که اطراف این میدان دیوان‌ها، مسجد جامع و بازار قرار می‌گیرد. همچنین، امکانات و تسهیلات موردنیاز ساکنان به سهولت و در حداقل زمان در دسترس آن‌ها قرار دارد (با کمترین میزان آمد و شد).
۴. محلات خودمختارند و توسط کدخدا یا نایب اداره می‌شوند.
۵. بافت شهری فشرده و دارای تراکم بالاست که در آن مجموعه‌سازی از ساخت تک بناها مهم‌تر تلقی می‌شود.
۶. محلات به صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص هستند که گاه دارای دیوار و دروازه هستند.
۷. هر محله دارای یک حرفه مخصوص و صنف متعلق به آن است که در سطح محله‌ای ایجاد موقعیت شغلی می‌کند.
۸. هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله است که فضاهای عمومی در آن جای می‌گیرند.
۹. مساجد در نقش فضاهای چندمنظوره عمل می‌کنند و کارکردهایی نظیر عبادت، اداره شهر، دادرسی، اعلان خبر و تدریس به خود می‌گیرند.
۱۰. برج، بارو و دروازه منجر به ایجاد فضاهای امن و دور از بزهکاری می‌شود (محلات دروازه‌دار موجب دشواری ورود غریبه‌ها می‌شود).
۱۱. شهر از انواع خانه‌ها، اعم از خانه‌های خصوصی، خانه‌های گروهی، کاروان‌سراها، ربع و غیره تشکیل شده است.
۱۲. خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی جهت حفظ حریمت اهل خانه است (احمدی

دیسفانی و آبادی، ۱۳۹۰؛ حبیبی، ۱۳۸۷؛ دانش، ۱۳۸۹؛ سلخی خسرقی، ۱۳۸۹؛ ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹، حبیبی).

۲-۳. توسعه پایدار، ملاک‌ها و معیارها

تعبیر توسعه پایدار متشکل از دو واژه «توسعه» (Development) و «پایدار» (Sustain-able) است. این واژه در اواخر قرن بیستم مطرح شد. به طور کلی، هدف از «توسعه» تجدید سازمان کل نظام اقتصادی و اجتماعی است، به نحوی که در این فرایند، علاوه بر بهبود سطح زندگی، دگرگونی‌های اساسی در نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی و مدیریت و در نهایت، در رفتارهای گوناگون انسان پدیدار شود. چگونگی تجدید سازمان اقتصادی و اجتماعی و نیز روابط حاکم بر آن‌ها تابعی از فلسفه فکری و نحوه تفکر برنامه‌ریزان و سیاستمداران توسعه و در نتیجه انسان‌هاست. توسعه صنعتی که در حدود نیمه قرن نوزدهم آغاز شد در نهایت به تخلیه منابع و بروز مسائل محیط زیست مهمی که قبلاً سابقه نداشت منجر شد و فعالیت‌های صنعتی باعث بروز مشکلات آلودگی در سطح و طیف وسیع محلی و منطقه‌ای، میان منطقه‌ای و جهانی شد. گستردگی و شدت بهره‌برداری‌های انسان از منابع طبیعی کره زمین، طی قرن بیستم به بروز صدمات چشمگیری بر اجزای اصلی تشکیل دهنده بیوسفر، برای مثال جو (اتمسفر)، پوشش گیاهی، اراضی و تنوع زیستی منجر شده است. نگرانی از این امر موج جدیدی از مفاهیم اعتراضی را به دنبال داشت؛ تا جایی که مفهوم توسعه پایدار توسط گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل (کمیسیون برانتلند) با عنوان «آینده مشترک ما» در ۱۹۸۷ میلادی عمومیت پیدا کرد. گزارش برانتلند توسعه پایدار را این چنین تعریف می‌کند: «رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان» (موسوی، ۱۳۸۱: ص ۲۷).

پیتر هال مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری را «شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل آینده را تضمین کند» معرفی می‌کند (Hall, 1993: P22).



نمودار ۱. دیدگاهی از اجتماعات پایدار قوی به صورت دایره متحدالمرکز که در آن ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسط عامل محیطی احاطه شده‌اند (Ott, k. 2003)

سنگ بنای یک آینده پایدار را می‌توان رعایت دو حقوق دانست: توجه به سهم داخل نسلی (بین حقوق صاحبان سرمایه و فقرا در حال حاضر) و بین نسلی (بین نسل حال و آینده) (Al-Jayyousi, 2014: P 16).

بنابر نظر موهان مونسینگ، تنها در گرو ارتباط متقابل سه عامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که می‌توان یک شهر پایدار و انسانی داشت؛ شهری که در آن تمامی شهروندان احساس رضایت داشته باشند (Mohan Muna Singhe, 1993: P 2) که این الگو در نمودار ۱ نشان داده شده است.

۱-۲-۳. توسعه پایدار از دیدگاه اجتماعی فرهنگی

یک نظام اجتماعی پایدار به یک برابری در توزیع دست یافته است که خدمات اجتماعی از جمله بهداشت و آموزش همگانی را در حد نیاز تأمین کند و به ارزش‌هایی نظیر برابری جنسی، ثبات سیاسی و مشارکت جمعی دست یابد (هریس، ۱۳۸۳: ص ۴۳). منزلت و جایگاه محیط اجتماعی، بسیار فراتر از منزلت و جایگاه محیط فیزیکی جامعه است. جامعه به غیر اینکه شامل محل زندگی است، افرادی را هم که در آن زندگی می‌کنند دربر می‌گیرد؛ بنابراین، جوامع نباید تنها از نظر زیست محیطی پایدار باشند، بلکه از نظر اجتماعی هم باید پایدار باشند. (Hancock, 2001: P 202)

توسعه پایدار اجتماعی توسعه‌ای است که نیازهای پایه شامل غذا، مسکن، آموزش، کار، درآمد، شرایط زندگی و کاری سالم را برآورده کند؛ عدالت طلب باشد، بدین معنا که منافع توسعه

را به صورت برابر بین اعضای جامعه توزیع کند، رفاه فیزیکی، فکری و اجتماعی جمعیت را ارتقا دهد یا حداقل ازین نبرد؛ باعث ارتقای آموزش، خلاقیت و توسعه منابع انسانی بالقوه شود؛ میراث فرهنگی و بیولوژیک جامعه را حفظ کند؛ بنابراین، بنیان‌های تاریخی و زیست‌محیطی مردم و جشن‌ها و اعیاد را تقویت کند؛ آن‌چنان که مردم زمینه‌های زندگی مسالمت‌آمیز و حمایت افراد جامعه از یکدیگر را بگسترانند؛ مردم‌سالار باشد، به این معنی که مشارکت و دخالت شهروندان را در امور جامعه افزایش دهد؛ محیط قابل زیست فراهم کند، به این معنی که رابطه بین شکل مکان‌های عمومی شهر و آسایش اجتماعی، معنوی و فیزیکی ساکنان آن شهر برای برنامه‌ریزان شهر مدنظر قرار گیرد.

از نظر اجتماعی، توسعه‌ای پایدار خواهد بود که جوامعی همگن و همبسته را ایجاد کند و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ترمیم شود. این آرمان در صورتی تحقق خواهد یافت که اراضی شهری و تخصیص منابع و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی به‌طور برابر و حداقل همراه با مساوات نسبی صورت گیرد (موسوی کاظمی و شکویی، ۱۳۸۱: ص ۳۱). انعکاس این اصول را می‌توان در شهرسازی اروپا با عنوان نوزایی شهری و مفاهیمی چون مسکن مشارکتی و دهکده شهری و در امریکا نیز با عناوینی چون محله پایدار شهری، اجتماعات فشرده، توسعه محله سنتی (TND) و توسعه حمل و نقل محور (TOD) ردیابی کرد (سلخی خسرقي، ۱۳۸۹).

۲-۲-۳. شاخص‌های تأثیرگذار بر پایداری شهری در بعد اجتماعی

۱. توسعه آموزش و ارتقای سطح فرهنگ زیست‌محیطی در بین عموم مردم؛
۲. فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه‌های مختلف شهری؛
۳. وجود گروه‌ها و اجتماعات با اهداف و ارزش‌های مشابه؛
۴. مالکیت شخصی مسکن و نیز طویل‌بودن مدت اقامت ساکنان آن؛
۵. کوچک‌بودن اجتماعات و همبسته‌بودن آن‌ها؛
۶. اتکا به جامعه مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور محلی (ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ ساختار مردم‌سالارانه)؛
۷. جانمایی انواع خانوارها و گوناگونی جمعیت ساکن در بافت؛

۸. میزان ارتباط بین ساکنان شهر (ارتباطات عاطفی، اجتماعی، مادی و غیره)؛
۹. جوامع همبسته و همگن و اجتماعات محلی منسجم و قوی؛
۱۰. عدالت اجتماعی و برابری درون‌نسلی و بین‌نسلی؛
۱۱. حفاظت از منابع طبیعی و جنگل‌ها و هم‌چنین، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر؛
۱۲. ترویج فرهنگ صرفه‌جویی مردم در استفاده از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر (موسوی کاظمی، ۱۳۸۰؛ مهدیزاده، ۱۳۸۹؛ قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵؛ هریس، ۱۳۸۳؛ دارابی، ۱۳۷۹؛ موسوی کاظمی و شکویی، ۱۳۸۱).

۳-۲-۳. توسعه پایدار از دیدگاه کالبدی-عملکردی

از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل‌ونقل، اوقات فراغت و غذا و غیره به‌عمل می‌آید تا در طول زمان، شهر را از نظر زیست‌محیطی قابل سکونت و زندگی را از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی همبسته نگه دارد؛ به‌نحوی که این تغییرات تکنولوژیکی حفظ اشتغال، مسکن و شرایط زیست‌محیطی مناسب را دربر داشته باشد (Mukomo, 1996: P 266). در بحث کالبد غالباً تعیین کاربری‌های مناسب شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ در حالی که به دلیل اهمیت و تعیین‌کننده بودن زمین، نیاز به برنامه‌ریزی خاصی دارد.

۴-۲-۴. شاخص‌های مؤثر بر پایداری کالبدی شهرها

۱. توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن‌ها؛
۲. توجه به مقیاس انسانی در طراحی شهرها؛
۳. سلسله‌مراتب دسترسی و سهولت دسترسی مردم؛
۴. اجتماعات خوداتکا و مسکن خودمختار؛
۵. هدایت توسعه کالبدی شهر به‌صورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل‌ونقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) در راستای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه‌های بی‌رویه؛
۶. حریم مشخص (دروازه و مرزهای جغرافیایی) و وجود مرکزیت (میادین و مراکز محلات)؛
۷. ایجاد کاربری‌ها و موقعیت‌های شغلی در مقیاس محله؛

۸. وجود عملکردها و امکانات مهم در مرکز و در دسترس همگان؛
۹. فضاهای عمومی تعریف شده و چند منظوره؛
۱۰. فضای قابل دفاع و کنترل و عاری از بزهکاری؛
۱۱. تأمین مسکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره‌ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا)؛
۱۲. ایجاد سازوکار خلوت محیطی (موسوی کاظمی، ۱۳۸۰؛ مهدیزاده، ۱۳۸۹؛ قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵؛ هریس، ۱۳۸۳؛ دارابی، ۱۳۷۹؛ موسوی کاظمی و شکویی، ۱۳۸۱).

۳-۳. جایگاه دین و مذهب در مبانی توسعه پایدار

با گذشت بیش از سه دهه از پیدایش دیدگاه توسعه پایدار و بسط و گسترش مبانی و اصول آن در ابعاد مختلف جوامع شهری و نتایج مفیدی که رعایت این اصول در حفظ منابع طبیعی و کاهش عواقب منفی توسعه‌های اقتصادمحور و فاوستی داشته است، فلسفه و پارادایم فکری در پس این دیدگاه محل بحث و مناقشه است. از نظریه‌های علمی و اثباتی که در حوزه‌های اکولوژیک و محیط زیستی مطرح است که بگذریم، آنچه ارزش و مبنای هنجاری این رویکرد را شکل داده است در نهایت، به برخی نگاه‌های اخلاق‌گرایانه در خصوص طبیعت و محیط زیست (Eco-cen- tric) و عدالت مبنا (Justice) ختم می‌شود (Loukola, and Kyllönen: P 2005). اگر بخواهیم رابطه شهرسازی اسلامی را با توسعه پایدار تبیین کنیم بایستی جایگاه دین و مذهب را در این رویکرد ارزیابی کنیم. امروزه اغلب جوامع مذهبشان را حداقل به صورت ظاهری حفظ می‌کنند و از آموزه‌های دینی که شامل اصول جهان‌شناسی و جهان‌بینی وابسته به محیط است پیروی می‌کنند. مذهب می‌تواند به‌عنوان یکی از معتبرترین سیستم‌های اخلاقی در نظر گرفته شود؛ از این رو، مذهب نیازمند یک نقش جهت رویارویی با نیازمندی‌های اخلاقی زیست محیط است. اصول توسعه پایدار یک مفهوم خالی از مذهب است که برای تفسیرهای مختلف مذهبی در دسترس است؛ با وجود این، نقش مذهب در ارتقای نقش توسعه پایدار به‌عنوان اخلاقیات جهانی زیست محیطی مورد توجه است (Zuhdi Marsuki, 2009: P 31).

در گزارش براتلند نقش مذهب در توسعه پایدار نادیده گرفته شده است؛ به جز موردی که به دانش زیست‌شناسی سنتی در جوامع مدرن می‌پردازد (WCED, 1987: p 12). همچنین، مذهب هیچ جایگاهی در اجلاس سران در ریو دوژانیرو و نیز اسناد UNCED نداشت تا اینکه در اجلاس ژوهانسبورگ در ۲۰۰۲ نقش مذهب توجه زیادی را به خود جلب کرد.

کراپوین و واروتسوز در ۲۰۰۷ بیان کردند که بعد معنوی توسعه پایدار تنها در WSSD که تمرکز بر روی ابعاد معنوی حقیقت انسان بود مورد بحث قرار گرفت. این دو نفر پیشنهاد کردند که مذهب نقش مهمی در توضیح اساسی‌ترین موضوعات مرتبط با توسعه پایدار از قبیل موارد زیر ایفا می‌کند:

۱. چگونگی درک ما از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و مکان ما در این جهان؛

۲. چگونگی ارتباط اعتقادات و نگرانی‌های سنتی دین با درک حقایق علمی؛

۳. چگونگی کمک دانشمندان و علما به رفاه جامعه بشری.

بیشتر این موارد مربوط به جهان‌بینی است که در آن مذهب منحصراً به حمایت از اجرای توسعه پایدار مربوط می‌شود. دین می‌تواند نقش مشارکتی فراتر از حمایت داشته باشد و چون در قلب مردم جای دارد می‌تواند باعث ایجاد انگیزه در مردم برای انجام یک تعهد شود (Zuhdi Marsuki, 2009: P 31).

در این زمینه (Taylor, 2006: P 604) اعلام می‌دارد که مردم در سراسر جهان، علی‌رغم جهان‌بینی‌ها و منافع ملی متفاوت و گاه ناسازگار، ممکن است در نگهداری از زیست کره به صورت متحد عمل کنند.

۳-۴. توسعه پایدار از دیدگاه اسلام

مفهوم توسعه پایدار توجه بسیاری از دانشمندان مسلمان را به خود جلب کرده است؛ در میان نخستین دانشمندان، انصاری در سال ۱۹۹۴ بود که مقاله خود با عنوان «دیدگاه اسلام در توسعه پایدار» را به چاپ رساند. همچنین، ایزی دین و حسن و چاچی صادق نیز مقالاتی در این زمینه به چاپ رساندند.

به اعتقاد حسن، اصولاً اسلام با مفهوم توسعه پایدار مخالف نیست؛ زیرا در میان اهداف «مقاصد» شریعت، اتصال نیازهای انسان نسل کنونی با نسل آینده وجود دارد. درست مانند اهداف توسعه پایدار (Hasan, 2006). در تأمین پایداری، منابع طبیعی که ضروریات زندگی را فراهم می‌کنند باید مورد محافظت قرار گیرند؛ به طوری که بهره‌برداری از آن‌ها در یک راه پایدار امکان پذیرد. پس اسلام به طور یکسان به امنیت نیازهای بشر و حفظ محیط زیست توجه داشته است.

در اجلاس سران در ژوهانسبورگ، کشورهای مسلمان اجازه یافتند تا تعریف و چهارچوب خود را برای توسعه پایدار پیشنهاد دهند. پس از آن کنفرانسی با عنوان «چهارچوب کلی دستور کار کشورهای اسلامی برای توسعه پایدار» در جدّه عربستان جهت ارائه پیشنهادها برای

توسعه پایدار ارائه شد که در آن دو موضوع زیر پیشنهاد شد:

۱. تشویق جامعه مدنی در تدوین و اجرای استراتژی‌ها و برنامه‌ها برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست؛
 ۲. تشویق سازمان‌های مردم‌نهاد و تدوین قانون ارتقای مشارکت آن‌ها در توسعه پایدار.
- از دیدگاه اسلام مشارکت جامعه مدنی در حفاظت از محیط زیست به‌عنوان بخشی از «حسبه» در نظر گرفته شده است که دانشمندان معاصر در پاسخ به موضوعات زیست‌محیطی بیشتر درباره آن توضیح می‌دهند (Zuhdi Marsuki, 2009: P 34).
- توسعه پایدار می‌تواند به‌عنوان یک تئوری اخلاق زیست‌محیطی جهانی در نظر گرفته شود. اجرای سیاست‌های پایداری مانند جنگل‌داری پایدار و کشاورزی پایدار می‌تواند مصداق عمل به اخلاق محیط زیست باشد.

به منظور ارتقای توسعه پایدار به اخلاق جهانی محیط زیست دوروش وجود دارد:

۱. به اشتراک‌گذاری نظام اخلاقی در یک اجتماع کلی که همان مفهوم توسعه پایدار است؛
 ۲. همانندسازی اصول مشترکی از مفاهیم در زمینه‌های مختلف نظام اخلاقی جهان.
- مورد دوم برای کشورهای اسلامی مناسب‌تر است، زیرا همان‌طور که اشاره شد، اسلام رویکرد خاص خود را جهت دستیابی به توسعه پایدار دارد (Ibid: pp 35&36).
- به نظر می‌رسد در توسعه پایدار محیط و طبیعت جایگاه ویژه و محوری دارد و تعادل بین بازار (اقتصاد) و طبیعت یا همان تعادل توسعه و حفظ منابع موضوعی کلیدی است؛ حال آنکه در دیدگاه اسلام طبیعت خود ودیعه و امانتی است در اختیار انسان برای تعالی و رسیدن به مدارج کمال.

جدول ۱. ابعاد مختلف پایداری در اسلام از دیدگاه الجیوسی (۲۰۰۸)

میزان (تعادل)	اجتهاد (نوآوری)	ارحام (سرمایه اجتماعی)
حکمت	ظرفیت نسبت اجتماع بوم	مصلحت (منفعت عمومی)
تسبیح (ستایش و دعا)	عدل (عدالت)	حسن (زیبایی)

- الجیوسی اصول دیگری را نیز برای تعریف پایداری از منظر اسلام به شرح زیر معرفی می‌کند:
- **اصل اول:** اصل «فطرت» (ذات و طبیعت) و شامل تلاش برای بالابردن بهره‌وری منابع، ارتقای عملکرد چرخه‌های طبیعی، به‌کارگیری درآمدها و نه سرمایه، بازیافت مداوم منابع تجدیدناپذیر، گرایش به مدیریت کالاهای بادوام و غیره است.
 - **اصل دوم:** اصل «میزان» به معنای محاسبه خدمات جهت حفظ اکوسیستم است که شامل افزایش هم‌زمان اشکال اصلی سرمایه (طبیعی، انسانی، اجتماعی، تولیدی و مالی)، هماهنگی اقتصاد با ظرفیت بازسازی طبیعت، اخذ سیاست‌های مالیاتی و غیره است.
 - **اصل سوم:** اصل «امم» (امت‌ها) به معنای احترام جوامع به یکدیگر است که شامل برداشت در حد ظرفیت بازسازی، الگوهای استفاده از زمین برای کاهش تجاوز بشر در دیگر اشکال زندگی و افزایش تنوع زیستی در مناطق زیستگاه بشر و غیره است.
 - **اصل چهارم:** اصل «امت واسطه» به معنای یک جامعه جهانی مبتنی بر صداقت و اعتماد متقابل افراد است. این اصل شامل ارتقای پرورش افراد به‌عنوان سنگ بنای اجتماع، حفظ حقوق بشر و رعایت حقوق شهروندی، حکمروایی خوب، اطمینان از دسترسی عادلانه افراد به منابع و افزایش حس همکاری به‌عنوان اساس مدیریت جهانی است.
 - **اصل پنجم:** اصل «تسبیح و سجود» به معنای فهم نظم و هماهنگی موجود در جهان که شامل تصدیق رمز و راز الهی (عالم غیب)، درک اشرفیت انسان نسبت به مخلوقات دیگر، تحول درونی افراد و افزایش شفقت مابین آن‌ها و غیره است.
 - **اصل ششم:** اصل «وحدت در عین کثرت» به معنای مرکزیت توحید در تمامی فعل و انفعالات جهان است.
- برای مفهوم سازی و تحقق پایداری وحدت یکپارچه این شش اصل ضروری می‌نماید تا در نهایت موجب به‌وجود آمدن یک زندگی مطلوب و حیات طیبه شود (Al-Jayyousi, 2014: PP 17-19).

جدول زیر (جدول ۲) معیارهای هر دو رویکرد شهرسازی اسلامی و توسعه پایدار را در ابعاد کلیدی پایداری نشان می‌دهد (Mansor et al, 2013: P 83).

جدول ۲. معیارهای شهرسازی اسلامی و توسعه پایدار در ابعاد کلیدی پایداری

ابعاد کلیدی پایداری			موضوع
محیط زیست	اقتصاد	اجتماع	
<ul style="list-style-type: none"> -مدیریت منابع طبیعی -توسعه منابع تجدیدپذیر -حفظ و نگهداری از منابع طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - موفقیت شغلی - ایجاد سلامتی - مبارزه با فقر 	<ul style="list-style-type: none"> -همه شمولی اجتماعی - توسعه اجتماع از طریق آموزش - تهیه زیرساخت‌ها، امکانات و سکونت - دستور کار محلی ۲۱، مشارکت عمومی 	توسعه پایدار
<ul style="list-style-type: none"> - اصل لاضرر و لاضرار در اسلام - پارادایم توحیدی - خدمت به زمین؛ نقش مهم بشریت - اصلاح نفس توسط مسلمانان - جهت حفظ انسانیت در ارتباط با دنیای غیر انسانی - پاکیزگی - عدم افراط و تفریط 	<ul style="list-style-type: none"> - حذف طبقات اجتماعی از طریق اقتصاد درست - استفاده بهینه از منابع - اعطایی خدا به انسان و محیط فیزیکی اش - اجماع، قیاس و اتحاد - توحید، عدل و احسان - مدیریت بهینه بر حسب شوری، مسئولیت و جواب‌گویی - اثربخشی و سودمندی، به هم پیوستگی - فقدان فساد و تبعیت تام از علایق گروه‌ها و اجتناب از اصول فرعی 	<ul style="list-style-type: none"> - شورا؛ کلید سیاست‌های تصمیم‌گیری - مصلحت عمومی؛ مفهومی برای تعریف یک پایداری جامع - مسئولیت اجتماعی - توحید، عدل و احسان، اختیار، فرض - اصول اسلامی شامل: *مقام برابر انسان و برابری و برادری *عدم تمرکز ثروت و دارایی *درآمدها به دست افراد اندکی باشد. 	شهرسازی اسلامی

مقایسه تطبیقی مبانی و اصول توسعه پایدار شهری با اصول شهرسازی اسلامی

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، هر دو رویکرد در بعضی موارد جهت‌گیری‌های مشابهی نسبت به ابعاد پایداری دارند اما شایان ذکر است که انتهای تمامی مباحث توسعه پایدار همیشه به سه مولفه محیط زیست، اقتصاد و اجتماع ختم می‌شود؛ در حالی که محوریت رابطه انسان با خدا و نقش دین در تنظیم رابطه بین انسان، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع نادیده انگاشته می‌شود. پس می‌توان این‌گونه بیان کرد که در پارادایم توسعه پایدار مبانی نظری به‌طور کامل و واضح مشخص نشده است و از نظر دین اسلام این مبانی باید بازتعریف شود.

۳-۵. مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های شهر اسلامی با شاخص‌های شهر پایدار

پیرو مطالب گفته‌شده در دو بخش قبل، در این قسمت سعی بر آن است تا مقایسه تطبیقی میان

شاخص‌های شهر اسلامی و شهر پایدار صورت گیرد؛ این بررسی در دو بخش اجتماعی و کالبدی صورت گرفته و در پایان در قالب دو جدول ارائه شده است که در آن‌ها به نقاط اشتراک و افتراق بین مؤلفه‌های این دو تعریف از شهر اشاره خواهد شد؛ به‌ویژه که اهداف غایی در شکل‌گیری رابطه انسان با شهر و طبیعت در این دو تعریف متفاوت است (نگارندگان با تلخیص از منابع).

۱. در شهر اسلامی، باورهای فرهنگی به تفکیک زندگی خصوصی و عمومی تأکید دارد و طرح شهری بر جدایی این دو قلمرو شکل گرفته است. در نتیجه، هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جداست و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز است. این در حالی است که در توسعه پایدار و به‌ویژه شهر پایدار بر ایجاد شرایطی برای ارتقای سطح فرهنگ محیطی مردم و نیز توجه خاص به این فرهنگ تأکید شده است.

۲. در شهر اسلامی، انسان شأن و مقام والایی دارد و تجاوز به حریم خصوصی و خانوادگی افراد ممنوع و مذموم است. بر این اساس، تأمین نیازهای مشترک انسانی و فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی پایه و اساس یک شهر اسلامی است. این مطلب در مفاهیم شهر پایدار نیز به این صورت بیان شده است: فراهم‌بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه‌های مختلف شهری.

۳. در شهر اسلامی، سازمان اجتماعی جامعه شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خواستگاه‌های قومی و هم‌خونی مشترک استوار است. تشابهات فرهنگی، خواستگاه‌های قومی و همچنین، هم‌خونی میان افراد منجر به تشکیل اجتماعات یا اصنافی با تشابهات ملی، مذهبی و جغرافیایی شده است و این در حالی است که در مفاهیم توسعه پایدار و شهر پایدار هم بر وجود گروه‌ها و اجتماعات با اهداف و ارزش‌های مشابه در جامعه شهری تأکید شده است.

۴. در شهر اسلامی منازل درون‌گرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است. در خانه‌های سنتی شهر اسلامی، حضور فرزندان در خانواده حتی بعد از تشکیل زندگی سبب شده است که در منازل به‌صورت دیرپا، گاه برای چندین نسل پی‌درپی زندگی جریان داشته باشد. در شهر پایدار نیز این طویل‌بودن مدت اقامت در منازل و نیز بر مالکیت شخصی آن‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ هرچند که خانواده‌ها دیگر گسترده نیستند و به سمت خانواده‌های هسته‌ای و غیره پیش می‌روند.

۵. شهر اسلامی به واحدهای خودفرمان به نام محلات تقسیم شده است که این محلات

خود شامل زیرمحلات، برزن، کوی و کوچه می‌شود که به‌صورت مستقل از یکدیگر (و گاه در تضاد با هم) عمل می‌کند و حتی در برخی موارد مسجد و بازار مخصوص به خود را نیز داشته‌اند. این درحالی است که توسعه پایدار نیز وجود جوامع کوچک و همبسته در شهر را جهت حفظ پایداری ضروری می‌داند.

۶. در شهر اسلامی، مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام‌المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند. ساخت استخوان‌بندی اصلی شهر و معابر و گذرهای اصلی اغلب توسط حکومت انجام می‌گرفت؛ اما ساخت محلات و کوچه‌ها و بن‌بست‌ها توسط مردم و با مشارکت آن‌ها صورت می‌گرفت. همچنین، فرهنگ وقف در جوامع اسلامی، سبب به‌وجود آمدن بناهایی عمومی شده است که حضور مردم را منجر می‌شود. مساجد نیز نقشی حضورپذیر داشتند و گاه تصمیمات مهم محلی در مساجد گرفته می‌شد. در توسعه پایدار نیز این مفاهیم به‌صورت اتکا به جامعه مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور محلی «ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ ساختار مردم‌سالارانه» مطرح شده است؛ درحالی که کانون‌های دیگر جایگزین کانون‌های مذهبی برای تعامل و ارتباط شهروندان نشده‌اند.

۷. در شهر اسلامی، طبقات اجتماعی به‌صورت مجزا در شهر دیده نمی‌شود و فقیر و غنی در خانه‌های با اندازه‌های متفاوت، در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می‌کنند. این اصل نیز در مفاهیم توسعه پایدار به‌صورت گوناگونی جمعیت ساکن و نیز جانمایی انواع خانواده‌ها، مورد توجه قرار گرفته است؛ هرچند که در عمل سایه بازار همواره بر توسعه‌های شهری و شکل‌گیری مناطق شهری سنگینی می‌کند.

۸. میزان تماس بین افراد به‌دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و بازدیدها) و اخوت و برادری مطرح در جامعه اسلامی زیاد است. اسلام بر اخوت مسلمانان تأکید دارد؛ چنان‌که آن‌ها را برادر می‌خواند و بر تحکیم روابط بین آن‌ها تأکید خاص می‌ورزد. این تماس بین ساکنان و کمک‌های مادی، عاطفی و نیز مصاحبت و پشتیبانی اجتماعی، جزء شاخص‌های مطرح در توسعه پایدار است.

۹. در شهر اسلامی، وحدت مسلمانان اجتماع همگن و منسجمی را شکل داده است. اسلام این اجتماعات منسجم را امت واحده می‌نامد که در میان آن‌ها نظام کاستی وجود ندارد و اتحاد و انسجام حکمفرماست. مشاهده می‌شود که در میان مفاهیم توسعه پایدار، به وجود

- جوامع همگن و همبسته به صورت منسجم، سالم و قوی، اهمیت خاصی داده می شود.
۱۰. در شهر اسلامی، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی شده است و به طبقات محروم اجتماع توجه می شود. اسلام برتری افراد را در مکتب و ثروت نمی بیند و معیار برتری را بر تقوا می نهد. پس تمام افراد را از نظر اجتماعی برابر می بیند و دستور به رعایت عدالت در میان آن ها می دهد. این مفاهیم برابری و عدالت در جامعه اسلامی سبب توجه خاص مسلمانان به افراد نیازمند و طبقه فرودست به عنوان برادر شده است. مفهومی که در توسعه پایدار نیز به صورت برابری اجتماعی، عدالت اجتماعی و نیز برابری بین نسل ها و درون نسل ها مطرح می شود.
۱۱. شهر اسلامی تجلیگاه تفکر توحیدی است. این تفکر در شهر به صورت وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت دیده می شود. این اصل وحدت شهر و طبیعت، در شهر پایدار هم به صورت اصل حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی دیده می شود، اما تفاوت عمده در آن است که در شهر اسلامی طبیعت امانتی الهی و ایزاری برای کمال انسانی است؛ در حالی که در شهر پایدار طبیعت خود به یک پدیده مستقل و ارزشمند به خودی خود (Eco Centric) تبدیل می شود و یا در نهایت، برای رفع نیازهای آتی انسان ها مورد توجه قرار می گیرد.
۱۲. از صفات شهر اسلامی عدالت است. تجلی عدالت در شهر، پایداری را به همراه دارد؛ ازسویی پرهیز از افراط و تفریط نیز منجر به پایداری می شود. جوهره عدالت، حس مسئولیت نسل کنونی در برابر آیندگان است و صرفه جویی در مصرف منابع از وظایفی است که توسعه پایدار بر آن تأکید دارد (همان).

۶-۳. مقایسه تطبیقی مؤلفه ها در بعد کالبدی-عملکردی

۱. در شهر اسلامی، محلات متجانس، بهره مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته اند. اسلام هرگونه تبعیض و فخر فروشی انسان ها را ممنوع اعلام کرده است. این اعتقاد در کالبد محلات و شهرها نیز باید نمود پیدا کند. همچنین، موقعیت و جهت گیری کالبدی محلات باید به گونه ای باشد که دسترسی به امکانات به صورت برابر برای همه افراد ممکن باشد. بر همین منوال، در مفاهیم شهر پایدار نیز شاهد توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن ها هستیم که مصداق آن را می توان در مفاهیم مطرح برای شهر اسلامی مشاهده کرد.

۲. یکی از اصول مطرح در کالبد شهرهای اسلامی توجه به مقیاس انسانی فضاها و ابنیه است. در شهر اسلامی کالبد هماهنگ با ویژگی‌ها و توانایی‌های انسان شکل می‌گیرد و خود را به انسان تحمیل نمی‌کند. رعایت مقیاس انسانی در توسعه پایدار نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

۳. شبکه ارتباطی و دسترسی در شهر اسلامی به گونه‌ای است که ساکنان در حداقل زمان به مکان مورد نظر دسترسی داشته باشند. همچنین، نظم در ساختار شهری رعایت می‌شود. به طوری که دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه است و در محل تلاقی آن‌ها میدان تشکیل می‌شود که اطراف این میدان دیوان‌ها، مسجد جامع و بازار قرار می‌گیرد. این مفهوم در توسعه پایدار نیز به صورت «توجه به سلسله‌مراتب دسترسی جهت سهولت دسترسی مردم» مطرح شده است.

۴. بافت شهری شهر اسلامی فشرده و دارای تراکم بالاست که در آن مجموعه‌سازی از ساخت تک بناها مهم‌تر تلقی می‌شود. در توسعه پایدار نیز هدایت توسعه کالبدی شهر به صورت مترکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل و نقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) و در راستای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه‌های بی‌رویه مورد توجه بوده است.

۵. محلات شهر اسلامی به صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص اند که گاه دارای دیوار و دروازه هستند. در اسلام حفظ مرزها و حریم‌ها محترم شمرده می‌شود (البته وجود دیوار و دروازه از لحاظ امنیتی و دفاعی نیز مورد توجه است). توسعه پایدار نیز بر حفظ حریم‌های قابل تشخیص و مرزهای تاریخی و جغرافیایی توجه خاص دارد.

۶. در شهر اسلامی، هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله است که فضاهای عمومی در آن جای می‌گیرند. توجه به تمرکز امکانات محلی و عملکردهای عمومی در کانون محله نیز از اصول مطرح در توسعه پایدار به‌شمار می‌رود.

۷. مساجد شهر اسلامی در نقش فضاهای چندمنظوره عمل می‌کند و کارکردهایی نظیر عبادت، اداره شهر، دادرسی، اعلان خبر و تدریس را در خود جای می‌دهد. مصداق این امر را در مفاهیم توسعه پایدار می‌توان به صورت تأکید بر وجود فضاهای عمومی چند نقشی و چند منظوره با کارکرد اجتماعی بالا جست.

۸. شهر اسلامی از انواع خانه‌ها، اعم از خانه‌های خصوصی، خانه‌های گروهی، کاروان‌سراها، ربع و غیره تشکیل شده است. مصداق این امر در توسعه پایدار، تأمین مسکن متنوع و

متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره‌ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا) است.

منازل در شهرهای اسلامی دارای دو بخش اندرونی و بیرونی است که اندرونی مختص اهل خانه و بیرونی برای پذیرایی از مهمانان استفاده می‌شود. این توجه به محرمیت در ساخت خانه‌های اسلامی در توسعه پایدار نیز به صورت ایجاد سازوکار خلوت محیطی مطرح شده است. با توجه به آنچه در قالب مقایسه تطبیقی مفاهیم شهر اسلامی و توسعه پایدار مطرح شد، می‌توان اصول مطرح شده را به صورت دو جدول در تناظر یک‌به‌یک و در دو بعد اجتماعی و کالبدی به صورت زیر بیان کرد.

جدول ۳. تناظر مفاهیم مطرح شده در بعد اجتماعی در شهر اسلامی و شهر پایدار (نگارندگان)

توسعه شهری پایدار (شهر پایدار)	شهرسازی اسلامی	بعد اجتماعی
۱. توسعه آموزش و ارتقای سطح فرهنگ زیست محیطی در بین عموم مردم و توجه خاص به این فرهنگ.	۱. متأثر از فرهنگ اسلامی، هرگونه فعالیت اقتصادی که با حضور اجتماعی سروکار داشته باشد از کاربری مسکونی جداست و بیشتر در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز است.	
۲. فراهم بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی به منابع و مواهب رشد بین گروه‌های مختلف شهری.	۲. تأمین نیازهای مشترک انسانی و فراهم بودن فرصت‌های یکسان برای دسترسی ساکنان به نیازهای انسانی.	
۳. وجود گروه‌ها و اجتماعات با اهداف و ارزش‌های مشابه.	۳. سازمان اجتماعی جامعه شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خواستگاه‌های قومی و همخوانی مشترک استوار است.	
۴. مالکیت شخصی مسکن و نیز طویل بودن مدت اقامت ساکنان آن.	۴. منازل درون‌گرا و مناسب برای زندگی چندین نسل پیاپی است.	
۵. کوچک بودن اجتماعات و همبسته بودن آن‌ها.	۵. شهر به واحدهای خودفرمان و همبسته به نام محلات تقسیم شده است که این محلات خود شامل زیرمحلات، برزن، کوی و کوچه است.	
۶. اتکا به جامعه مدنی و ایجاد شرایط و مقدمات افزایش مشارکت فراگیر و مؤثر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور محلی (ترویج مشارکت و دخالت شهروندان/ساختار مردم‌سالارانه).	۶. مردم در ساخت محلات و نیز بناهای عمومی و عام‌المنفعه نظیر اموال وقفی مشارکت دارند.	

۷. طبقات اجتماعی به صورت مجزا در شهر دیده نمی‌شود و فقیر و غنی در خانه‌های با اندازه‌های متفاوت در کنار هم و در درون محلات (به دلیل اعتقادات اسلامی مبتنی بر مساوات و برابری و نیز به دلیل محکم بودن روابط خونی، اعتقادی و مذهبی مشترک در هر محله) زندگی می‌کنند.	۷. جانمایی انواع خانوارها و گوناگونی جمعیت ساکن در بافت.
۸. میزان تماس بین افراد به دلیل رعایت حقوق همسایگی (دید و باز دیده‌ها) و اخوت و برادری مطرح در جامعه اسلامی زیاد است.	۸. ارتقای میزان ارتباط بین ساکنان شهر (ارتباطات عاطفی، اجتماعی، مادی و غیره).
۹. وحدت مسلمانان، اجتماع همگن و منسجمی (امت واحده) را شکل داده است.	۹. جوامع همبسته و همگن و اجتماعات محلی منسجم و قوی.
۱۰. بنا بر رعایت عدالت اجتماعی و برابری و برادری در جامعه، هرگونه تبعیض اجتماعی نفی می‌شود و به طبقات محروم اجتماع توجه می‌شود.	۱۰. عدالت اجتماعی و برابری درون نسلی و بین نسلی؛
۱۱. اساس تفکر اسلام بر اصل توحید است؛ به گونه‌ای که می‌توان شهر اسلامی را شهر تجلی توحید نامید. بر این اساس، شهر اسلامی تجلیگاه وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و وحدت شهر و طبیعت است.	۱۱. حفاظت از طبیعت، منابع طبیعی و جنگل‌ها و همچنین استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر.
۱۲. عدالت از دیگر اصول مطرح در جامعه اسلامی و از صفات اصلی شهر اسلامی به شمار می‌رود. عدالت ایجاب می‌کند که در استفاده از منابع، به نفع آیندگان صرفه جویی شود.	۱۲. ترویج فرهنگ صرفه جویی مردم در استفاده از منابع

جدول ۴. تناظر مفاهیم مطرح شده در بعد کالبدی در شهر اسلامی و شهر پایدار (نگارندگان)

شهر اسلامی	توسعه پایدار (شهر پایدار)
۱. محلات متجانس، بهره‌مند از امکانات برابر و به دور از هرگونه قطب‌بندی کالبدی و اجتماعی شکل گرفته‌اند.	۱. توزیع عادلانه و متعادل امکانات و تسهیلات بین مناطق مختلف شهری متناسب با جمعیت آن‌ها.
۲. در ساخت فضاها و ابنیه بر رعایت مقیاس انسانی تأکید شده است.	۲. توجه به مقیاس انسانی در طراحی شهرها.

بعد کالبدی

شهر اسلامی	توسعه پایدار (شهر پایدار)
۳. سلسله مراتب و نظم در ساختار شهری رعایت می‌شود. به طوری که دو راستای اصلی شهر در جهات اربعه است و در محل تلاقی آن‌ها میدان تشکیل می‌شود که اطراف این میدان دیوان‌ها، مسجد جامع و بازار قرار می‌گیرد. همچنین، امکانات و تسهیلات مورد نیاز ساکنان، به سهولت و در حداقل زمان در دسترس آن‌ها قرار دارد (با کمترین میزان آمد و شد).	۳. رعایت سلسله مراتب دسترسی از سطح کلان تا خرد و سهولت دسترسی مردم.
۴. محلات خودمختار است و توسط کدخدا یا نایب اداره می‌شوند.	۴. اجتماعات خوداتکا و مسکن خودمختار.
۵. بافت شهری، فشرده و دارای تراکم بالا است که در آن مجموعه‌سازی از ساخت تک بناها مهم‌تر تلقی می‌شود.	۵. هدایت توسعه کالبدی شهر به صورت متراکم و فشرده (افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی) در مسیرهای خطوط حمل و نقل همگانی (نفی پراکندگی جوامع) در راستای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از توسعه‌های بی‌رویه.
۶. محلات به صورت بسته و دارای مرز و حریم قابل تشخیص‌اند که گاه دارای دیوار و دروازه هستند.	۶. حریم مشخص (دروازه و مرزهای جغرافیایی، تاریخی و غیره).
۷. هر محله دارای یک حرفه مخصوص و صنف متعلق به آن است که در سطح محله‌ای ایجاد موقعیت شغلی می‌کند.	۷. ایجاد کاربری‌ها و موقعیت‌های شغلی در مقیاس محله.
۸. هر محله دارای یک میدان یا مرکز محله است که فضاهای عمومی در آن جای می‌گیرند.	۸. وجود مرکزیت (میادین و مراکز محلات)، و جاگیری عملکردها و امکانات مهم در مرکز و در دسترس همگان.
۹. مساجد در نقش فضاهای چندمنظوره عمل می‌کند و کارکردهایی نظیر عبادت، اداره شهر، دادرسی، اعلان خبر، تدریس و غیره به خود می‌گیرد.	۹. ایجاد فضاهای عمومی تعریف شده و چندمنظوره.
۱۰. برج، بارو و دروازه منجر به ایجاد فضاهای امن و به دور از بزهکاری می‌شود (محلات دروازه‌دار موجب دشواری ورود غریبه‌ها می‌شود).	۱۰. ایجاد فضای قابل دفاع و کنترل و عاری از بزهکاری.
۱۱. شهر از انواع خانه‌ها، اعم از خانه‌های خصوصی، خانه‌های گروهی، کاروان‌سراها، ربع و غیره تشکیل شده است.	۱۱. تأمین مسکن متنوع و متناسب با استطاعت مالی همگان (مسکن اجاره‌ای، مالکیت شخصی، مسکن ارزان و خودکفا).
۱۲. خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی جهت حفظ محرمت اهل خانه است.	۱۲. ایجاد سازوکار خلوت محیطی.

۴. راهکارهایی جهت تحقق شهر اسلامی و پایدار در عصر حاضر

۱. اختلاط کاربری‌ها و جانمایی درست کاربری‌های مسکونی در کنار سایر کاربری‌ها و همچنین، ایجاد شرایطی برای تأمین نیازهای روزانه ساکنان در یک محله مسکونی؛
۲. مکان‌گزینی کاربری‌های همه‌شمول از قبیل فضای سبز، تجاری، خدماتی و غیره در تمامی سطح شهر، به نحوی که امکان دسترسی تمامی افراد فراهم باشد؛
۳. توجه به محلات و اجتماعاتی که دارای ارزش‌ها و خواستگاه‌های مشترک است و انجام اقداماتی برای حفظ یکپارچگی آن‌ها از قبیل توجه به عناصر شاخص و تقویت آن‌ها؛
۴. ایجاد امکان مالکیت دائم افراد در منازل مسکونی و کاهش مالکیت موقت و اجاره‌نشینی؛
۵. تأمین فرصت‌هایی برای مداخله مردم در اداره محله مسکونی خود و همچنین، تقویت حس تعلق افراد با اجازه مداخله آن‌ها در مکان؛
۶. عدم اختصاص کامل یک منطقه به قشری خاص از جامعه و ایجاد محیطی مطلوب برای دسترسی تمام اقشار اجتماعی؛
۷. ایجاد فضاهایی باز نظیر میدانچه در محلات مسکونی برای تقویت حضور ساکنان در سطح محله و ایجاد تعاملات اجتماعی؛
۸. توجه به حریمیت و عدم اشرافیت منازل مسکونی از طریق تعریف نظام ارتفاعی مناسب؛
۹. حفاظت از منابع طبیعی محیط با تعریف حریم‌ها و قوانین خاص و حفظ آن‌ها برای نسل‌های آینده؛
۱۰. ایجاد فضاهای متناسب با مقیاس انسانی و رعایت تناسبات در فضاها؛
۱۱. رعایت سلسله‌مراتب دسترسی در گذرها و معابر برای سهولت دسترسی؛
۱۲. تقویت مشارکت مردم در اداره امور محل جهت رسیدن به خوداتکایی در محلات؛
۱۳. استفاده از تراکم ساختمانی و جمعیتی متناسب با مقیاس محله در عین رعایت اصل حریمیت و عدم اشرافیت.
۱۴. حفظ ارزش‌های تاریخی-فرهنگی؛
۱۵. ایجاد فضاهای چندعملکردی در مقیاس محله برای گذران اوقات فراغت ساکنان محله؛
۱۶. توجه به نظارت اجتماعی در فضا و ایجاد محیطی امن با تقویت چشمان ناظر به فضا؛
۱۷. ایجاد مسکن متنوع و متناسب با نیاز و درخواست هر یک از اقشار مختلف جامعه.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد با مقایسه تطبیقی شاخص‌های اجتماعی و کالبدی توسعه پایدار شهری با مفاهیم مطرح در شهرسازی اسلامی به نکات اشتراک و افتراق این دو رویکرد پرداخته شود؛ شایان ذکر است که در مبانی اسلامی نگاه به طبیعت و محیط زیست انسان نیز موج می‌زند که بحث درخصوص این بعد از توسعه پایدار از حوصله این مقاله خارج بود. در دین اسلام طبیعت آینه و نشانه و ودیعه‌ای برای انسان شناخته می‌شود^۱ و در ادبیات و عرفان ایرانی برگ درختان سبز آینه‌ای برای معرفت‌کردگار شناخته می‌شود و این نگاه با دیدگاه طبیعت‌محور و اکوستریک توسعه پایدار، که طبیعت را جای خداوند قرار می‌دهد، از بنیان متفاوت است.

شهر اسلامی با ویژگی‌های یادشده در ابعاد اجتماعی و کالبدی، از نوعی منطق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبعیت دارد که این امر می‌تواند تجربه‌های آموزنده‌ای برای روش‌های نظام‌مندی و برنامه‌ریزی مدرن به‌شمار آید. این شهر واجد اصول و صفاتی است که ریشه در مفاهیم اسلامی دارند. شایان ذکر است علی‌رغم شباهت‌های ظاهری مابین اصول شهر پایدار در ادبیات موضوعی شهرسازی معاصر و اصول شهر اسلامی، هدف غایی و مبانی فکری این دو با هم یکسان نیست و هر دو نیاز به بازتعریف و تبیین مجدد دارند.

آنچه با تطابق میان مقوله‌های شهر پایدار و مفاهیم شهر اسلامی می‌توان نتیجه‌گرفت آن است که لازمه دستیابی به شهر پایدار همان اصول بنیادی شهر اسلامی است. بی‌شک تمدنی که برای همه عرصه‌های تعالی انسان مسلمان، رهیافت‌های کارآمدی دارد برای محوری‌ترین عرصه‌های زیست مادی و معنوی انسان نمی‌تواند گفتنی‌های درخور توجهی نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، برای برون‌رفت از تنش‌ها و تفرق‌هایی که امروزه شهرهای ما به آن مبتلا شده‌اند، تحقیق ژرف در اصول اعتقادی دین اسلام ضروری و باارزش است. آنچه مهم است درک این مطلب است که شهرهای امروز ما چقدر از اصول و مفاهیم مطرح در شهر اسلامی برخوردارند؟ مشاهده معضلات و گرفتاری‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سیاسی در شهرهای کشورهای اسلامی حکایت از عدم اجرای دقیق دستورات اسلامی و یا استفاده ابزاری از آن دارد. بر این اساس، باید تلاش شود تا با رجعت به این مفاهیم در ابعاد جامعه و نیز کالبد شهرها، در ساخت مورفولوژیک شهرهای خود تجدیدنظر کرد و پایداری شهرهایمان را، که در فرهنگ اسلامی پیشینه‌ای به بلندای چهارده قرن دارد و در جوامع غربی هنوز به یک قرن نیز نرسیده است، تضمین کنیم.

۱. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷): «زمین را آراستیم تا شما را بیازماییم و ببینیم کدام‌یک به نیکی رفتار می‌کنید».

کتابنامه

۱. احمدی دیسفانی، یداله؛ آبادی، محمد علی. ۱۳۹۰. «کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی». فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر. زمستان. سال هشتم. شماره ۱۹.
۲. پوراحمد، احمد؛ موسوی، سیروس. ۱۳۸۹. «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. زمستان. شماره ۲.
۳. حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۷. از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ نهم.
۴. دارابی، علی. ۱۳۷۹. «توسعه پایدار مفاهیم و محدودیت‌ها». فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۸۹.
۵. دانش، جابر. ۱۳۸۹. «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. پاییز. شماره اول.
۶. رحیمی، حسین. ۱۳۸۴. «در جست‌وجوی شهر اسلامی پایدار». پیک نور. سال پنجم. شماره ۲. صص ۹۷-۹۰.
۷. سلخی خسرقی، صفا. ۱۳۸۹. «تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلام‌شهرهای تاریخی ایران». اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی. اسفند ۱۳۸۹.
۸. سلطانی، علی؛ دشتی، علی. ۱۳۸۹. «از شهر اسلامی تا شهر پایدار؛ تبیین ویژگی‌های مشترک». اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، اسفند ۱۳۸۹.
۹. ضرابی، اصغر؛ علی‌نژاد طیبی، کاووس. ۱۳۸۹. «تحلیلی بر عناصر و کاربری‌های شهری در شهرهای اسلامی». کتاب ماه هنر. مرداد. شماره ۱۴۳.
۱۰. فرجام، رسول؛ سلیمانی مقدم، هادی؛ چاوشی، اسماعیل. ۱۳۹۰. «مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی». فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای. سال اول. تابستان. شماره ۲.
۱۱. قرخلو، مهدی؛ حسینی، سید هادی. ۱۳۸۵. «شاخص‌های توسعه پایدار شهری». مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. بهار و تابستان. شماره ۸.
۱۲. لقایی، حسنعلی؛ محمدزاده تیتکانلو، حمیده. ۱۳۷۸. «مقدمه‌ای بر مفهوم توسعه شهری پایدار و نقش برنامه‌ریزی شهری». مجله هنرهای زیبا. دانشگاه تهران. زمستان. شماره ۶.

۱۳. ملکی، سعید. ۱۳۹۰. درآمدی بر توسعه پایدار شهری. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
۱۴. موریس، جیمز. ۱۳۸۱. تاریخ شکل شهر. جلد دوم. ترجمه رضایه رضازاده. تهران: جهاد دانشگاهی علم و صنعت.
۱۵. موسوی کاظمی، سید مهدی؛ شکویی، حسین. ۱۳۸۱. «سنجش پایداری اجتماعی توسعه شهر قم». پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۴۴. صص ۴۱-۲۱.
۱۶. موسوی کاظمی، سید مهدی. ۱۳۸۰. «توسعه پایدار شهری مفاهیم و دیدگاه‌ها». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۵۲۰. صص ۹۴-۱۱۳.
۱۷. مهدی‌زاده، جواد. ۱۳۸۹. «مبانی و مفاهیم، شاخص‌های توسعه پایدار». فصلنامه جستارهای شهرسازی. سال نهم. بهار. شماره ۳۱. صص ۱۶-۹.
۱۸. ناری قمی، مسعود. ۱۳۸۹. «مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی». مجله هنرهای زیبا. پاییز. شماره ۴۳.
۱۹. ناصر اسلامی، علی؛ مورینی، ماسیمو. ۱۳۷۵. «پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی». ترجمه مجید محمدی. مجله آبادی. ویژه شهر اسلامی. سال ششم شماره ۲۲.
۲۰. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۷. «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی». مجله هنرهای زیبا. زمستان و بهار ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸. شماره ۴ و ۵.
۲۱. _____ ۱۳۷۹ الف. «فرهنگ اسلامی و توسعه پایدار شهری». فصلنامه مدیریت شهری. سال اول. بهار. شماره ۱.
۲۲. _____ ۱۳۷۹ ب. «توسعه پایدار، شهر سالم و فرهنگ ایرانی». مجله مسکن و انقلاب. پاییز و زمستان. شماره‌های ۹۶-۹۵.
۲۳. _____ ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: انتشارات راهیان.
۲۴. _____ ۱۳۸۹. «تأملی در چیستی شهر اسلامی». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی. پاییز. شماره اول.
۲۵. هریس، جانان‌تان ام. ۱۳۸۳. «اصول اساسی توسعه پایدار». ترجمه رستم صابری‌فر. مجله سپهر. زمستان. شماره ۵۲.
26. Al-Jayyousi, O R. 2014. "Islam And Sustainable Development: New Worldview". Journal Of Islamic Studies Advance Access. published march 24, 2014.

27. Hall, p .1993. "Toward Sustainable, Liveable And Innovative Cities For 21st Century". In Proceeding Of The Third Conference Of The World Capitals.Tokyo. pp22-28.
28. Hancock, T. 2001. "Towards healthy and sustainable communities". Health environment and economy at the local level. Quebec Klienburg, Ontario.
29. Hasan, Zubair. 2006. "Sustainable Development from an Islamic Perspective: Meaning, Implications and Policy Concern". JKAU: Islamic Econ. 19 (9). PP 3-18.
30. Jansen, L. 2003. "The challenge of sustainable development". Journal of cleaner production.Vol.11.
31. Loukola,O and Kyllönen, Simo. 2005. "The philosophies of sustainability". Extracted from http://www.helsinki.fi/metsatieteet/tutkimus/sunare/21_Loukola_Kyllonen.pdf.
32. Mansor et. al. 2013. "Reconceptualizing the Sustainable Development Key Dimensions with the Islamic Built Environment Principles". Kulliyyah of Architecture and Environmental Design, IIUM.
33. Mukomo, S. 1996. "O Sustainable Urban Development". in Sub-saharan Africa, cities. pp 256-271.
34. Munasinghe, Mohan. 1993. **Environmental Economics And Sustainable Development**. The world bank: Washington D.C
35. Ott, K. 2003. "The Case for Strong Sustainability". In: Ott, K & P. Thapa (eds).
36. Greifswalds Environmental Ethics. 2009. **Greifswald: Steinbecker Verlag Ulrich Rose**. ISBN 3931483320. Retrieved on: 2009-02-16.
37. Taylor, Bron. 2006. "Religion and Environmentalism in America and Beyond" in The Oxford Handbook Book for Religion and Ecology. ed. Roger S. Gottlieb. Oxford: Oxford University Press.
38. The World Commission on Environment and Development (WCED). 1987. **Our Common Future**. Oxford and New York: Oxford University Press.
39. Zuhdi Marsuki, M. 2009. "RELIGIOUS AGENDAS TOWARDS SUSTAINABLE DEVELOPMENT: AN ISLAMIC PERSPECTIVE". Malaysian Journal of Science and Technology Studies. vol 7. PP 22-38.

